

واکاوی راهبرد ترکیه در آسیای میانه و تاثیر آن بر نفوذ روسیه در منطقه (2014-2021)

احمد یوسف‌پور^{1*}، محمدولی مدرس²

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، دوره اول، شماره 1، بهار 1404

چکیده

کشور روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در آسیای میانه مطرح بوده و این منطقه حوزه نفوذ مسکو محسوب می‌شود. از این رو آسیای میانه، به دلیل وجود منابع غنی انرژی و چرخه اقتصاد، مورد توجه دولت مسکو بوده است. از طرفی ترکیه نیز از سال 2014 تا سال 2021 با اقدامات متنوع و از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی در آسیای میانه ایفا نقش کرده که منجر به کاهش نفوذ روسیه در این منطقه شده است. با توجه به اهمیت مقوله فرهنگ و اقتصاد در عرصه بین‌الملل و نیز ضرورت تبیین اتخاذ راهبرد مذکور در مطالعات روابط بین‌الملل، این تحقیق به دنبال پاسخ این پرسش است که ترکیه «چگونه بر نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه از سال 2014 تا سال 2021 تاثیر گذاشته است». در این پژوهش سعی شده به اثبات این فرضیه که «ترکیه از سال 2014 تا سال 2021 از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی با کشورهای آسیای میانه بر نفوذ روسیه در این منطقه تأثیر گذاشته و موجب کاهش نفوذ این کشور در آسیای میانه شده است، پردازد». روش تحقیق این

1. مدرس گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ahmadyusefpoor@yahoo.com

2. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

پژوهش تحلیلی-تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم هم به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد راهبرد ترکیه در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی از سال 2014 تا سال 2021 در کشورهای آسیای میانه تأثیر داشته و منجر به کاهش نفوذ روسیه در این منطقه شده است.

کلیدواژه‌ها:

ترکیه، روسیه، آسیای میانه، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم.

روسیه قرن هاست که منطقه آسیای میانه را جزو مناطق مورد علاقه خود می‌داند و از آنجا که این منطقه دارای منابع طبیعی غنی است، نه تنها دولت مسکو، بلکه توجه همه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سعی کرد نفوذ خود را در جغرافیای شوروی سابق حفظ کند. این کشور در سطح مشخصی اهداف خود را در آسیای میانه دنبال کرده است. دولت مسکو در دهه 1990 در حوزه سیاست خارجی به خصوص در مناطق پیرامونی خود نقش فعال‌تری به خود گرفت. هرچند بعد از فروپاشی شوروی عمده تمرکز و توجه دولت مردان مسکو متوجه کشورهای پیرامونی خود و کشورهای تازه استقلال یافته بود، اما همان طور که اشاره شد، به دلیل وجود منابع غنی انرژی و چرخه اقتصاد در منطقه آسیای میانه، این منطقه مورد علاقه قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه به شمار می‌رود؛ از این رو روسیه مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی خود را اطمینان از امنیت کشور، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی آن، کسب جایگاه مهم و پرستیژوار در جامعه جهانی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و به عنوان یکی از مراکز پرنفوذ در جهان مدرن سازگار باشد، عنوان می‌کند و به منظور دستیابی به این اهداف، دولت مسکو مصمم است از طریق حسن همجواری، کمربندی ایمن و باثبات از کشورهای منطقه در اطراف مرزهای خود به وجود آورد و از به وجود آمدن تنش و منازعه در مناطق پیرامونی خود جلوگیری کند. علاوه بر این روسیه رسماً اعلام کرده است که گسترش روابط و همکاری با کشورهای پیرامونی از اهم علایق مسکو است. این کشور به دنبال گسترش پیوندهای اقتصادی و امنیتی با کشورهای منطقه آسیای میانه از طریق مشارکت در پروژه‌های مشترک در حوزه انرژی و سرمایه‌گذاری و انعقاد پیمان‌های امنیتی جمعی در منطقه آسیای میانه می‌باشد تا بتواند این کشورها را در حوزه نفوذ خود نگه دارد.

از سوی دیگر از سال 2014 با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت آنکارا در سیاست خارجی خود تغییری ایجاد نمود و راهبرد فرهنگی و اقتصادی خود را با رویکرد دیپلماسی عمومی و قدرت نرم و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های اقتصاد، فرهنگ و زبان و مذهب در منطقه آسیای میانه، به ایفای نقش پرداخته است؛ از این رو ترکیه از طریق دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی خود که منجر به کاهش نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه شده است، ظرفیت‌های اعمال نفوذ دولت آنکارا را در این منطقه

فراهم کرده است.

همان طور که اشاره شد، ترکیه با استفاده از راهبرد فرهنگی، در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی مانند سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی (TURKSOY) فعالیت خود را آغاز نموده است. رویکرد جدید ترکیه در حوزه فرهنگی، رویکرد پان‌ترکیسم با بهره‌گیری از زبان ترکی و از رویکرد نوحثمان‌گرایی با بهره‌گیری از مذهب مشترک اسلام، تأثیر خود را بر نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه نشان می‌دهد همچنین دولت آنکارا با راهبرد اقتصادی در جمهوری‌های آسیای میانه، به سرعت توسعه یافت و پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات به دست آورد؛ همچنین با فروش تسلیحات و تجهیزات هوانوردی در سال‌های اخیر یکی از عناصر فعال در قبال توسعه روابط استراتژیک دفاعی با جمهوری‌های مستقل ترک در آسیای میانه (آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان) بوده است.

چارچوب نظری

ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم از جمله زبان، مذهب، تاریخ و اقتصاد پی‌ریزی شده و با توسعه و عمق‌بخشیدن به آن و اقدام چندوجهی در ابعاد فرهنگی و اقتصادی، راهبرد کشور خود را تنظیم و در قالب سند 22 ساله به اجرا درآورده است و به واسطه آن قدرت نفوذ ترکیه در آسیای میانه رو به افزایش و نفوذ روسیه در منطقه رو به کاهش است؛ از این رو ترکیه در صدد تحکیم بنیان‌های فرهنگ مشترک و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های خود در منطقه آسیای میانه است و برای دستیابی به این امر از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم بهره می‌گیرد.

جوزف نای یکی از اندیشمندان حوزه قدرت نرم، مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار مورد استفاده قرار داد (پورسعید، 1389: 35). از نظر جوزف نای قدرت کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل است. به باور وی قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است که به طور عمده با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، شخصیتی، ارزش‌های نهادی و سیاسی و سیاست‌های جذاب مرتبط است (نای، 1387: 79).

قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است و به اندازه قدرت سخت، وابسته به دولت و تنها در چنبر حکومت نیست (Nye, 2002: 556). قدرت نرم شامل توانایی جذب کردن می شود و جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می گردد. دیپلماسی عمومی و مؤلفه های قدرت نرم را که ترکیه از آن استفاده می نماید، می توان دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی اقتصادی دانست که در ادامه توضیح داده می شود.

راهبرد فرهنگی ترکیه در آسیای میانه

ترکیه از لحاظ منطقه ای خود را پلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت می داند و از همین رو استانبول را پل تمدنی که وظیفه آن وساطت و همکاری میان طرفین منازعه در مناطق پیرامون این کشور است، معرفی می کند. ایده پیوند فرهنگی و زبانی با اوراسیا تورکلری (ترک های آسیای میانه) در ایدئولوژی پان ترکیسم رایج در دهه های آخر امپراتوری عثمانی ریشه طولانی دارد. ترکیه اولین کشوری بود که پنج کشور تازه استقلال یافته در منطقه را به رسمیت شناخت. از سال 1991 تا 1993 ترکیه و جمهوری های آسیای میانه بیش از 140 موافقت نامه در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امضا کردند. آنکارا آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (*Turkish International Cooperation and Development Agency (TİKA)*) را برای هماهنگی پروژه های مختلف کمک و توسعه به منظور هدف قرارداد آسیای میانه تأسیس کرد. بین سال های 1992 و 1996، 90 درصد کل کمک های توسعه ای به آسیای میانه از ترکیه می آمد. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (*Justice and Development Party (AKP)*) در ترکیه در سال 2002 آنکارا به دنبال فراتر بردن راهبرد این کشور و با بهره گیری از زبان و مذهب که از مؤلفه های قدرت نرم می باشد، در آسیای میانه از روابط عمدتاً نمادین مبتنی بر ایدئولوژی پان ترکیسم برآمد. این حزب به رهبری رجب طیب اردوغان (*Recep Tayyip Erdogan*) (2003-2014) نخست وزیر و 2014 تا کنون رئیس جمهور) و عبدالله گل (*Abdullah Gul*) (2002-2003) نخست وزیر و 2007-2014 رئیس جمهور) سیاست خارجی ترکیه را بر اساس شعار مصطفی کمال آتاتورک (*Mustafa Kemal Atatürk*) مبنی بر «صلح در خانه و صلح در جهان» بازطراحی کرد و اقتدار ملی ترکیه را به کسب منافع عینی در روابط با سایر دولت ها گره زد.

حزب عدالت و توسعه سیاست خارجی خود را بر اساس خطوط عمل‌گرایانه و سیاست «تنش صفر» (Zero Problems) با همسایگان جهت‌دهی دوباره کرد که شامل تسهیل روابط با دولت‌های آسیای میانه نیز می‌شد. اصرار رهبران ترکیه بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم برای برقراری روابط ویژه با آسیای میانه با به‌قدرت‌رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه تا حدودی رنگ باخت؛ اما این به معنای پایان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه نبود. سیاست خارجی این کشور در قبال آسیای میانه دست‌کم در یک دهه نخست پس از پیروزی حزب اردوغان و یارانش بر محور ایدئولوژی سیاسی نوع‌ثمنی‌گری (Neo-Ottomanism) و نفوذ مذهبی مبتنی بر ایده اسلام آناتولیایی (Anatolian Islam) که از سوی فتح‌الله گولن رهبر جنبش گولن و دوست و متحد قدیمی اردوغان تبلیغ می‌شد، در جریان بود؛ از این رو اگرچه ترکیه سرانجام اندیشه رمانتیک خود مبنی بر ایجاد یک «جهان ترک» جدید (شامل ترک‌های ترکیه و جمهوری‌های ترک‌تبار مستقل از شوروی) و باور به اتحادیه ترکی گسترده را تا حد زیادی رها کرد، اما اهداف جاه‌طلبانه این کشور در آسیای میانه به قوت خود باقی ماند. ترکیه به طور کامل هویت قومی-زبانی را به عنوان مبنایی برای توسعه روابط با جمهوری‌های آسیای میانه کنار نگذاشت و علاوه بر آن نفوذ مذهبی را نیز به این دستور کار افزود. ترکیه سیاست آسیای میانه خود را با رویکرد دنیای ترک تعریف می‌کند. بنابراین، ترکیه در درجه اول بر روابط فرهنگی، زبانی و اقتصادی که سه عنصر قدرت نرم محسوب می‌شوند، بر هماهنگی منافع مورد انتظار با کشورهای ترک زبان تمرکز دارد.

در سال 2009 کشورهای ترک، شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان (تورک‌کنشی) ایجاد کردند. شورای ترکان یک انجمن منطقه‌ای است که هدف آن تقویت وحدت اقوام ترک است. اعضای این سازمان قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان و ترکیه هستند. این سازمان سران کشورهای را برای حل مشکلات و تعیین چشم‌انداز گرد هم می‌آورد. اولین اجلاس سران توسط قزاقستان در آلماتی در سال 2011 که در آن میزبانی شد، چهار رؤسای جمهور قزاقستان، آذربایجان، قرقیزستان و ترکیه تحت یک موضوع خاص اقتصادی با یکدیگر ملاقات کردند. هر یک از اجلاس‌های بعدی دوباره به صورت موضوعی سازمان‌دهی شدند و رهبران را به ایجاد همکاری در آموزش (2012)، فرهنگ و علم (2013)، حمل و نقل و اتصال (2014)، گردشگری، اطلاعات و رسانه (2015)، جوانان و ورزش ملی (2018) تشویق کردند. هدف رسمی شورای ترکان احیای پیوندهای تاریخی است. از جمله

ابتکارات این شورا، آغاز اولین بازی‌های جهانی عشایر در قرقیزستان، راه‌اندازی یونیورسیاد ترکان (Turkish University) و تأسیس فرهنگستان ترک در آستانه و بنیاد فرهنگ و میراث ترک در باکو است (Cornell, 2003: 6). شورای ترک نمونه‌ای منحصر به فرد از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه با کشورهای آسیای میانه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. شورا همچنین یک سازمان پیشرو در آسیای میانه است که روسیه را شامل نمی‌شود. سازمان‌های مرتبط شورای ترک عبارت‌اند از سازمان بین‌المللی فرهنگ ترک (مجمع پارلمانی کشورهای ترک زبان)، شورای تجارت ترکیه، آکادمی ترکیه و بنیاد فرهنگ و میراث ترکیه که اولین اجلاس سران شورای ترک در سال 2011 در آلماتی قزاقستان تشکیل شد و ازبکستان در سال 2019 به عضویت شورا درآمد. در اجلاس سال 2019، نورسلطان نظربایف به عنوان رئیس مادام‌العمر شورا انتخاب شد. اجلاس سران شورای ترک تا سال 2020 هفت بار برگزار شد (<https://www.turksoy.org>).

در همین راستا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی و آموزشی قدرت نرم هستند که به عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی ترکیه در آسیای میانه تأسیس شدند. این دانشگاه‌ها که در آسیای میانه به فعالیت می‌پردازند، عبارت‌اند از: دانشگاه احمد یسوی در قزاقستان (1991)، دانشگاه سلیمان دمیرل (1996)، دانشگاه ماناس در قرقیزستان (1995). دانشگاه اقتصاد و فناوری TOBB در آنکارا. از سال 2013 تا 2019 تعداد دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کردند، از 10023 به 23423 نفر افزایش یافته است (به جدول 1 مراجعه کنید).

جدول شماره 1

سال	2013	2014	2015	2016	2017	2018
کشور						
قزاقستان	1306	1799	1986	2015	2065	2191
قرقیزستان	1410	1819	1994	2032	1926	1937
تاجیکستان	469	624	701	692	656	649
ترکمنستان	6941	9092	9903	10418	12247	17571

ازبکستان	371	556	652	736	840	1075
مجموع	10028	13890	15236	15893	17734	23423

Source: <https://www.ytb.gov.tr>

افزون بر اینکه راهبرد فرهنگی جدید کشور ترکیه از سال 2014 تا 2021، تنها تکیه به پان‌ترکیسم نیست، بلکه توسعه در حوزه هنری، سیاسی، اقتصادی هم مد نظر است؛ لذا با توجه به آنچه پیش‌تر اشاره شد، می‌توان دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه در حوزه فرهنگی را در منطقه آسیای میانه به سه بخش تقسیم کرد:

1. فعالیت‌های آموزشی، علمی، خدماتی، با محوریت گسترش زبان ترکی (پان‌ترکیسم)؛
 2. فعالیت‌های تبلیغ دینی، با محوریت اسلام تسامحی (عرفان، صوفی‌گری) (نوعثمان‌گرایی)؛
 3. فعالیت‌های تبلیغی هنری، با محوریت اشاعه موزیک، فیلم سینمایی، سریال‌های تلویزیونی.
- در راستای دیپلماسی فرهنگی دولت آنکارا، اگرچه پان‌ترکیسم نقش اساسی در تحولات داخلی به‌ویژه روابط خارجی کشورها را توانست ایجاد کند، در برخی کشورها تنش‌هایی به وجود آورد. «پان‌ترکیزم» به عنوان یک دکترین (ایدئولوژی) ادعای تعیین سرنوشت ملل آسیای میانه را در سر داشت. اگرچه در مقام عمل در روابط بین کشورهای آسیای میانه و هم در روابط و مناسبات آنها با صاحب اصلی برند (پان‌ترکیزم)، جمهوری ترکیه نقش کم‌رنگی ایفا کرد، در راستای ایجاد مزاحمت‌هایی در برابر احیا، بازسازی حضور روسیه در کشورهای آسیای میانه، توانست تا حدی مؤثر واقع گردد. جمهوری ترکیه دارای بیشترین شانس افزایش قدرت نرم در منطقه به‌ویژه در صورتی که روزه فرصت‌ها باز باشد، محسوب می‌گردد و صرفاً با ایجاد یک راهبرد هم‌سو و متجانس از سوی ترکیه این امکان فراهم خواهد شد و نمی‌توان آن را تنها به هويت مشترک (زبان) ترکی مرتبط دانست.

مذهب یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم، به صورت فعالانه در قبال آسیای میانه در دستور کار آنکارا قرار دارد. سیاست آنکارا شامل فعال‌سازی روحانیون ترک برای توسعه اسلام در آسیای میانه

می‌شود. برای ترکیه مهم است که آسیای میانه این کشور را به عنوان رهبر جهان اسلام در نظر بگیرد. ترکیه دارای اهرم‌های بالقوه نفوذ است. منظور از اهرم‌های بالقوه نفوذ نسلی است که دوران آموزشی خود را در مدارس و دانشگاه‌های ترکیه گذرانده و در حال حاضر در سیستم مدیریت دولتی مشغول به کارند. استفاده از این اهرم‌ها نشان‌دهنده قدرت نرم ترکیه بوده و نزدیکی ترکیه و کشورهای آسیای میانه را در نظر دارد. در نتیجه دولت آنکارا فعالیت سیاسی خارجی خود را در پیش‌برد گفتمان‌های ایدئولوژیک مانند پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم و اسلام سیاسی ترک به منظور ایجاد رژیم‌های وفادار نسبت به خود در کشورهای آسیای میانه متمرکز کرده است. با توجه به این عوامل، ترکیه طبق برنامه به ایجاد لابی‌های گسترده در محافل سیاسی آسیای میانه پرداخته و منافع خود را پیش می‌برد. سیاست «نئوعثمانی - اخوانی» دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه بر تحقق منافع ملی متمرکز است. به طور خلاصه می‌توان گفت دولت ترکیه با بهره‌گیری از عنصر فرهنگ به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم و با استفاده از اشتراک زبانی و تأسیس شبکه خدمات آموزشی، دینی، تجاری در آسیای میانه، ظرفیت اعمال نفوذ فراوانی در بین کشورهای این منطقه ایجاد نموده است.

3. راهبرد اقتصادی ترکیه در آسیای میانه

منطقه آسیای میانه بعد از پایان یافتن سلطه اتحاد جماهیر شوروی در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی دچار دگرگونی‌های بنیادین شد. موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آسیای میانه به دلیل برخورداری از منابع عظیم انرژی مخصوصاً نفت و گاز و همچنین به دلیل جایگاه این منطقه به عنوان خارج نزدیک کشور روسیه و از طرف دیگر ژئوکالچر این منطقه در چارچوب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون در نظام جهانی اهمیت بالایی یافته است؛ به گونه‌ای که برابند این تحولات به شکل‌گیری یک بازی بزرگ جدید منجر شده که جایگزین بازی بزرگی شود که در قرن پیش در جریان بوده است (اتوتایل، ۲۰۰۱: ۲۵۹).

اهمیت ژئواکونومیک این منطقه که شامل کشورهای قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان می‌شود، بیش از هر چیز به ذخایر انرژی و میزان مبادلات تجاری آن باز می‌گردد که به نظر می‌رسد با داشتن منابع و ذخایر بزرگ انرژی (نفت، گاز و زغال سنگ) و بازار مصرفی، پس از

خلیج فارس، یکی از کانون‌های مهم بین‌المللی اقتصاد محسوب می‌شود. اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه آسیای میانه بیانگر این حقیقت است که اکثر منظومه‌های قدرت از جمله ترکیه و روسیه علایقی در دسترسی به این منطقه دارند.

وجود ذخایر بزرگ انرژی و نیاز به مبادلات تجاری در آسیای میانه، ترکیه را بر آن داشت با استفاده از اقتصاد به عنوان مؤلفه قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، راهبرد اقتصادی خود را در قبال آسیای میانه تنظیم و طبق سند 22 ساله آنکارا آن را اجرا نماید که در این قسمت بدان پرداخته خواهد شد.

همان‌طور که اشاره شد، آسیای میانه در تلاقی پروژه‌های منطقه‌ای و جهانی است. منابع غنی انرژی و حمل و نقل آنها به کشورهای دیگر اهمیت آسیای میانه را در سیاست انرژی افزایش می‌دهد. انتقال نفت و گاز آسیای میانه به وسیله لوله‌ها به شرق و جنوب شرقی آسیا، بیانگر این است که این منطقه به‌بازیر مهم منطقه‌ای در صحنه جهانی تبدیل شده و به دلیل شرایط خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی، نقش و جایگاه خاصی در معادلات منطقه‌ای دارد و ذخایر غنی انرژی و چرخه اقتصاد، شاه‌رگ این چرخه حیاتی است. بر این پایه شناخت واقعیت‌های ژئواکونومیک آسیای میانه و نقش، ارتباط و جایگاه این منطقه در تحولات و واقعیات منطقه آسیای میانه حائز اهمیت است. ترکیه با اتخاذ راهبرد اقتصادی و استفاده از عنصر اقتصاد به عنوان مؤلفه قدرت نرم، در مناسبات خود با شناخت فرصت‌های اقتصادی و اهمیت ژئواکونومیک این منطقه که دارای پتانسیل‌های اقتصادی و ترانزیتی و انرژی است، به اهداف سند چشم‌انداز کشور خود در حوزه اقتصاد دست می‌یابد. جست‌وجوی بلندمدت ترکیه برای خودمختاری استراتژیک، تغییر روابط قدرت جهانی و تمایل دولت‌های آسیای میانه برای تقویت سیاست‌های خارجی چندجانبه، این کشور را بر آن داشته است فعالیت‌های اقتصادی خود را در این منطقه تشدید کند.

ترکیه برای توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری‌هایی انجام داده است. از جمله آنها ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی است. در سال 2002 با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای اعتدال و توسعه، ثبات سیاسی در داخل ترکیه رخ داد. اصلاحات مالی و اقتصادی، اقدامات اصلاحاتی ترکیه است. در سال 2002 بعد از انتخابات، کمال درویش در سمت وزیر دارایی، اصلاحات ساختاری نهادی نئولیبرال را

رهبری کرد و ثبات مالی را ایجاد نمود. در ادامه کمال درویش که به معمار بزرگ اقتصاد ترکیه معروف شده بود، سند راهبردی چشم‌انداز ۲۲ ساله تهیه کرد و اصلاحات نهادی اساسی اقتصادی را هدایت کرد. آنکارا در سلیه روابط بین‌المللی که در زمان فعالیت در بلنک جهانی کسب کرده بود، در یک برنامه اصلاحی سه‌ساله، اقتصاد بیمار را به محدوده سلامت بازگرداند.

هدف کلی سند ۲۲ ساله ترکیه را می‌توان دستیابی به یک تمدن قوی جهانی در قرن ۲۱ دانست. تولید با کیفیت استانداردهای جهانی، دست‌یافتن به درآمد عادلانه، امنیت فردی مناسب، تعمیق دموکراسی، تعمیق قانون‌مندی، گسترش آزادی‌های مذهبی، تعمیق سکولاریسم، ارتقای علوم انسانی نیز از زیرمجموعه‌های این سند به شمار می‌رود. دولت مردان آنکارا در سیاست خارجی خود تلاش کردند با همکاری با نظام بین‌الملل و تداوم همگرایی با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و غیراقتصادی زمینه را برای توسعه اقتصادی ترکیه فراهم آورند. سیاست خارجی «چندجانبه‌گرایی» ترکیه که شامل انواع اهداف سیاست خارجی و شرکای همکاری بدون اولویت‌دادن به هیچ کدام است، به تدریج توسط حزب محافظه‌کار اسلامی عدالت و توسعه که در قدرت است، از سال ۲۰۰۲ تقویت شده است. تلاش‌های ترکیه برای بهبود اتصال شرق به غرب در قفقاز جنوبی و آسیای میانه با استقبال گرم پکن مواجه شده است. در مقابل روسیه با توجه به منافع خود در منطقه، تغییر اوراسیای آنکارا را با نگرانی دنبال کرده است. اگرچه ترکیه روابط خود را با روسیه در قالب هدف کلی سند ۲۲ ساله که پیش‌تر اشاره شد، بر همکاری قرار داده، آرزوهای ژئوپلیتیکی دو کشور تا حدی ناسازگار است و سطح اعتماد در میان نخبگان سیاسی پایین است. در حال حاضر به نظر می‌رسد مسکو نفوذ فزاینده ترکیه در آسیای میانه را تا زمانی که محدود باقی بماند، می‌پذیرد. ترکیه در راهبرد اصلی اقتصادی خود در پی دستیابی به مدرنیته و توسعه اقتصادی بوده و با اتخاذ وضعیت راهبردی اقتصادی، دو قاره آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل کرده و راه ترانزیت اصلی این دو قاره به شمار می‌رود. دولت ترکیه با توجه به نزدیکی جغرافیایی به مسیرهای اصلی انرژی، تلاش می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای در پروژه‌های انتقال انرژی به اروپا ایفا نماید. قزاقستان و ترکمنستان شرکای منطقه‌ای پیشرو در سیاست انرژی ترکیه‌اند. هیچ مرزی بین ترکیه و آسیای میانه وجود ندارد. از دهه ۱۹۹۰ تا به امروز پروژه‌های مختلف خط لوله انرژی مانند خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان (۲۰۰۶)، خط لوله گاز طبیعی

ترانس آناتولی (TANAP) در سال 2018 و راه آهن باکو-تفلیس-قارص (2017) ظهور کردند. به همین دلیل روابط اقتصادی ترکیه با کشورهای آسیای میانه در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، توسعه یافته و پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است. آژانس همکاری و توسعه ترکیه (TIKA) به منظور ارائه کمک‌های توسعه‌ای به این کشورها تأسیس شد و با همکاری نزدیک با مقامات محلی با موفقیت فعالیت می‌کند. با وجود این تحرکات اخیر آنکارا نشان‌دهنده یک سیاست قوی‌تر ترکیه در قبال منطقه است که تا همین اواخر فاقد آن بوده است. سیاست آسیایی جدید دولت آقای اردوغان که در سال 2018 اعلام شد، روابط خود را با آسیای میانه و سایر مناطق آسیایی در حال رشد در اولویت قرار داده است. ترکیه با موفقیت مسیرهای حمل و نقل را به منظور کاهش وابستگی به کشورهای تک‌ترانزیتی متنوع نموده است؛ زیرا بسیاری از آنها برای بازار منطقه‌ای با آنکارا رقابت می‌کنند. در واقع مشارکت تجارت ترکیه در اجرای پروژه‌های مهم صنعتی و زیرساختی بر تجارت دوجانبه تأثیر مثبت دارد؛ به این معنا که تجارت با ترکیه برای آسیای میانه نیز مفید است؛ زیرا این کشور بازار رو به رشدی دارد. آنها همچنین می‌توانند از مسیرهای حمل و نقل جدید سود ببرند و صادرات خود را افزایش دهند. علاوه بر این کشورهای آسیای میانه می‌توانند ترکیه را به عنوان یکی از گزینه‌های جایگزین برای تنوع‌بخشیدن به واردات در نظر بگیرند. اصلی‌ترین صورت رقابت دولت ترکیه با قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای میانه، در اثرگذاری بر مسیرهای حمل و نقل و انرژی منطقه است. آنکارا با حمایت از خط لوله ماورای خزر که با منابع فراوان ترکمنستان و قزاقستان تغذیه می‌شود، می‌تواند ظرفیت خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و لوله موازی گاز باکو-تفلیس-ارزروم را به شدت تقویت کند (www.Saferworld, 2013). در زمینه راهروهای حمل و نقل نیز برنامه تراسیکا در مه 1993 با هدف پیوند دریای سیاه به دریای خزر توسط شبکه‌های نوین حمل و نقل آغاز شد. اعضای این برنامه دسترسی جمهوری‌های بازممانده از شوروی به بازارهای اروپایی و جهان را از مسیرهای غیرروسی پیگیری می‌کنند که ترکیه عضو فعال این برنامه است (سازمند و کاویانی فر، 1394: 41).

روابط دوجانبه و چندجانبه ترکیه با کشورهای آسیای میانه از سال 2014 در حوزه اقتصادی رشد چشم‌گیری را نشان می‌دهد. حجم تجارت ترکیه با منطقه در سال 2019 به حدود 8.5 میلیارد دلار رسیده و شرکت‌ها و پیمانکاران ترکیه به فعالیت خود در منطقه ادامه می‌دهند و روابط مثبت خود را با

همه کشورهای منطقه حفظ و از نهادهای دوجانبه برای تقویت آنها استفاده می‌کند. در همین راستا راهبرد اقتصادی ترکیه با قزاقستان و ازبکستان تعیین‌کننده حضور ترکیه در آسیای میانه است. روابط قزاقستان و ترکیه در مقایسه با روابط ترکیه با سایر کشورها با ثبات‌تر است و همچنین روابط ترکیه با قرقیزستان به طور کلی پایدار است. آنها شورای همکاری استراتژیک سطح عالی را به عنوان مکانیزم روابط دوجانبه در سال 2011 تأسیس کردند. به علاوه بین ترکمنستان و ترکیه نیز روابط دوجانبه در زمینه اقتصادی توسعه یافته است. ترکیه به شریک تجاری مهم در اقتصاد ترکمنستان تبدیل شده است. در همین جهت روابط دوجانبه ترکیه و تاجیکستان در دهه 2000 شروع به توسعه کرد.

در نتیجه به موازات رشد ثابت اقتصاد ترکیه از دهه 2000 (با متوسط عملکرد رشد سالانه 5.37 درصد تا سال 2020)، آسیای میانه به منطقه مهمی در سیاست اقتصادی ترکیه تبدیل شده است. ترکیه بین سال‌های 2014 تا 2018، 38.94 میلیارد دلار به کشورهای منطقه صادرات داشته است. در سال 2018، حجم تجارت ترکیه با کشورهای آسیای میانه 6 میلیارد دلار می‌باشد و 15 درصد از کل تجارت خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد. در سال 2019 کل حجم تجارت ترکیه با منطقه حدود 7 میلیارد دلار بود (جدول 1). همان طور که در جدول مشخص است، قزاقستان و ازبکستان دو شریک تجاری بزرگ ترکیه در منطقه هستند و حجم تجارت تنها با این دو کشور در سال 2019 به 4.7 میلیارد دلار رسیده است.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترک در آسیای میانه به 15 میلیارد دلار نزدیک شده است. علاوه بر این بسیاری از شرکت‌های ترکیه‌ای در منطقه فعالیت می‌کنند؛ درحالی‌که دارایی‌های قراردادی این شرکت‌ها تا به امروز به 86 میلیارد دلار رسیده است، بیش از 4000 شرکت ترکیه‌ای در آسیای میانه مشغول به کارند (http://www.mfa.gov.tr,2021).

جدول شماره 2: حجم تجارت ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی (میلیون دلار) در سال 2019

http://www.mfa.gov.tr,2021

کشور	واردات	صادرات	حجم تجارت
قزاقستان	1.404	900	2.304

قرقیزستان	372	442	814
تاجیکستان	198	157	355
ترکمنستان	345	745	1.090
ازبکستان	1.140	1.232	2.372

وابستگی شدید کشورهای آسیای میانه به روسیه به عنوان وارث اصلی شوروی همواره برای آنها آزاردهنده و نگران‌کننده بوده است و لذا به تدریج تلاش کردند از این وابستگی رهایی یابند. تنها راه انتقال منابع نفت و گاز این کشورها در گذشته از طریق خطوط لوله روسیه بود؛ ولی با فروپاشی شوروی سابق و تمایل این کشورها به عدم وابستگی به روسیه، اکنون مسئله انتقال نفت و گاز مشکل حادی برای این کشورها یعنی قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان شده است. کشورهای آسیای میانه در تلاش برای کاهش این وابستگی خود به روسیه و تنوع‌دادن به مسیرهای انتقالی نفت و گاز خود زمینه‌ساز حضور منافع کشورهای غربی در منطقه شدند؛ برای نمونه سیاست‌گذاران عرصه دیپلماسی انرژی ترکمنستان در راهبرد بلندمدت خود برای رهایی از سلطه روسیه، ضمن تداوم همکاری با این کشور، راه تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گزینه‌ای مناسب تشخیص دادند و از این رهگذر، ضمن درگیرکردن شرکت‌های بزرگ نفتی ترکیه‌ای در صنایع نفت و گاز خود، مسیرهای انتقال انرژی این کشور به بازارهای جهانی را فراهم کردند. ترکمنستان در راهبرد انرژی خود همواره در پی آن است مسیرهای جدیدتر، کم‌هزینه‌تر و کم‌خطری را شناسایی و انتخاب کند. برای رسیدن به این هدف، بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای کشورهای چین و ایران و بخش دیگر نیز از راه خطوط لوله شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود.

پس در می‌یابیم خط لوله باکو-تفلیس-جیحان به عنوان مسیر دیگری برای انتقال انرژی می‌تواند تأثیرات مهمی داشته باشد. مهم‌ترین تأثیر این خط لوله این است که به یک عامل شتاب‌دهنده برای همکاری‌های مثبت بین این کشورهای تازه‌استقلال یافته تبدیل شده است (Rasizade, 2003: 58) و از وابستگی شدید آنها به خطوط لوله انتقال انرژی این کشورها از روسیه کاسته است. راه‌اندازی پروژه‌ای مانند خط لوله گاز ترانس آناتولی (TANAP)، آنکارا را قادر می‌کند نقش مهم‌تری در بازار انرژی اروپا

ایفا کند. در واقع این خط لوله جدید نفوذ روسیه را در کشورهای حوزه دریای خزر کاهش می‌دهد. ترکیه به جمهوری‌های همسایه حوزه دریای خزر کمک می‌کند تا از وابستگی به روسیه خلاص شوند و عوارض انتقال نفت به نفع کشورهای آسیای میانه و ترکیه خواهد بود.

ترکیه اخیراً یک تغییر رو به رشد اوراسیایی را در سیاست خارجی خود نشان داده است. وزن رو به رشد ژئوپلیتیکی، بسیاری از کشورهای اوراسیا را وادار کرده است سیاست‌های خارجی خود را مجدداً تنظیم کنند. نگاه به شرق به یک هنجار جدید تبدیل شده است و روسیه شاید برجسته‌ترین نمونه آن باشد. اگرچه ترکیه عقب مانده است، اما اخیراً شروع به ادغام یک سیاست شرق‌گرا با آرمان‌های ژئوپلیتیکی خود کرده است. آنکارا به امید ایجاد اتحاد با سایر کشورهای ترک‌زبان قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان، به دنبال گسترش دامنه نفوذ خود به شرق تا آسیای میانه است. این کشور اخیراً میزبان نشست سه‌جانبه با وزرای خارجه آذربایجان و ترکمنستان در 23 فوریه 2020 بود. این موضوعی است که در آن منافع روسیه در مقابل جاه‌طلبی‌های ترکیه قرار می‌گیرد؛ زیرا هر دو ترکمنستان را به عنوان رقیب در بازار گاز اروپا می‌بیند. ترکیه به دنبال ایجاد یک پایه اقتصادی و فرهنگی برای همکاری است که شامل ایجاد یک بازار مشترک برای کالاها، سرمایه‌گذاری، نیروی کار و خدمات تا سال‌های 2026-2028 است. در واقع اقدامات اخیر ترکیه مبتنی بر یک دهه تلاش برای تقویت ارتباطات با آسیای میانه است.

وابستگی به روسیه در مقطعی باعث ایجاد مشکل در پایتخت‌های منطقه آسیای میانه شده است. علاوه بر این قرقیزستان و ترکمنستان به پول نقد نیاز دارند که پتانسیل نفوذ اقتصادی ترکیه را افزایش می‌دهد. برای ترکیه آسیای میانه راهی برای انعکاس اولویت‌های ژئوپلیتیکی آن و تعقیب اهداف استراتژیک در سایر نقاط جهان، مانند خاورمیانه، ارائه کرد. ترکیه به منظور تسهیل تعامل و تبادل رو به رشد خود از مکانیسم‌های همکاری، آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (برای تسهیل فرایندهای ملت‌سازی در منطقه) و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) (برای ارتقای فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری) بهره می‌برد. کشورهای آسیای مرکزی در تلاش‌اند تعادلی بین نیروهای مختلف منطقه پیدا کنند تا از کنترل روسیه بر زیرساخت خطوط انتقال انرژی خارج شوند و فضای رقابتی بین بازیگران بزرگی که به نفع رهبران استبداد در کنترل توانمندی‌های این نیرو هستند، ایجاد کنند.

کشورهای آسیای میانه طی دو دهه گذشته تلاش کرده‌اند فاصله مناسب خود را از هژمونی منطقه روسیه حفظ کنند و در عین حال مشروعیت و حاکمیت داخلی خود را نیز نگه دارند. فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی ترکیه به کشورهای آسیای میانه در حال تشدید است، اگرچه ترکیه و روسیه در حال تقویت همکاری خود هستند، روسیه همچنان آسیای میانه را نیز حوزه منافع خود می‌داند. کارشناسان سیاست خارجی روسیه نسبت به تشدید همکاری ترکیه و آسیای میانه در حوزه حساس امنیتی هشدار داده و آن را در تضاد با منافع روسیه توصیف کردند. مقاومت روسیه در برابر گسترش ترکیه به بازار تسلیحات آسیای میانه در واقع ناشی از رقابت اقتصادی و امنیتی است. دولت‌های آسیای میانه ممکن است عمداً پیشنهادهای ترکیه را برای دستیابی به معاملات بهتر با روسیه به نمایش بگذارند. بنابراین منطقی است که ترکیه در تعامل فعلی خود با دولت‌های آسیای میانه از مداخله در امور داخلی آنها خودداری کند.

هدف ترکیه از فروش تسلیحات نظامی به آسیای میانه، افزایش نقش خود در صحنه بین‌المللی است. سازمان کشورهای ترک به دنبال تبادل تجربیات نظامی بین اعضای خود و ترکیه از طریق مانورهای مشترک است و قرارداد بایرکاتر مهم‌ترین معامله ترکیه و کشورهای ترک زبان در میان دهه‌ها موافقتنامه و یادداشت تفاهم میان وزارت‌خانه‌های ترکیه تلقی می‌شود. روسیه هم با کشورهای آسیای میانه در حوزه‌های مختلفی همچون همکاری‌های امنیتی مشترک یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای همکاری‌های راهبردی است و ترکیه با در نظر داشتن این شرایط به تعریف سیاست‌های خود می‌پردازد. همان‌طور که سالنامه SIPRI 2020 نشان می‌دهد، آسیای میانه با رشد 63 درصدی بین سال‌های 2010 و 2019، دومین منطقه با سریع‌ترین درصد رشد در هزینه‌های نظامی پس از شمال آفریقا (67٪) شد؛ در حالی که برای 2018-2019 تنها آسیای میانه در درصد تغییرات مخارج نظامی با رشد 16 درصدی پیشتاز است (سالنامه SIPRI، 2020). با توجه به آنچه در مورد واردات تسلیحات توسط کشورهای آسیای میانه اشاره شد، در می‌یابیم بر اساس گزارش SIPRI، مجموع فروش تسلیحات به جمهوری‌های منطقه آسیای میانه توسط 25 شرکت بزرگ تسلیحاتی جهان در سال 2019 به 361 میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل 8.5 درصد رشد داشته است؛ اما به طور غیرمنتظره برای اولین بار شرکت‌های روسی در 25 شرکت برتر به طور قابل توجهی کاهش یافتند و

سومین شرکت پس از ضرر 1.3 میلیارد دلاری در فروش، به طور کلی از بین 25 شرکت برتر خارج شد (www.Sipri.org,2020)؛ از طرفی در گزارش دیگر SIPRI با عنوان تأمین‌کنندگان نوظهور در تجارت جهانی تسلیحات، چهار تأمین‌کننده تسلیحاتی جهانی را اگرچه هنوز به بازیگران اصلی بازار تبدیل نشده‌اند و به تازگی در حال ظهور هستند، برزیل، کره جنوبی، ترکیه و امارات نام می‌برد. در این گزارش ترکیه به کشوری تبدیل شده است که سریع‌ترین میانگین رتبه را در میان تأمین‌کنندگان جهانی تسلیحات دارد؛ زیرا در مقایسه با رتبه 2000-2004 خود، تا پایان سال 2019، شانزده رتبه افزایش یافته است (Be raud-Sudreau et al, 2020). بر اساس این گزارش، فروش صنایع دفاعی و هوانوردی ترکیه یکی از چشمگیرترین افزایش‌ها را در سال‌های اخیر نشان داده است و از 3.71 میلیارد دلار در سال 2010 به 6.69 میلیارد دلار در سال 2017 رسیده است؛ زیرا حجم صادرات تسلیحات ترکیه بین سال 2010-2014 و 2015-2019، 86 درصد افزایش یافته است.

بر اساس گزارش دیگری توسط SIPRI که تمایلات انتقال تسلیحات را در بین 25 کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات تحلیل می‌کند، کل صادرات تسلیحات روسیه در سال‌های 2015-2019 نسبت به سال‌های 2010-2014 کاهش 18 درصدی داشته است (Trends in International Arms Transfers, 2019) که شامل 87 درصد کاهش تحویل تسلیحات روسیه به دولت سوریه که روسیه فعلاً از سال 2015 از آن حمایت کرده است. در مورد فهرست بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات، بر اساس همین گزارش، ترکیه که در سال‌های 1995 تا 1999 سومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان بود، در صورت واردات تسلیحات به تدریج از سهم خود کاسته و اکنون به یک صادرکننده خالص جامد تبدیل شده است. اکنون در رتبه پانزدهم اسلحه قرار دارد؛ در حالی که قزاقستان و آذربایجان بیست و پنجمین و سی‌امین واردکنندگان بزرگ اسلحه در جهان هستند (وزمن و همکاران، 2020). این موضوع حاکی از آن است که ترکیه توانسته با راهبرد اقتصادی به عنوان مؤلفه‌ای از قدرت نرم، در منطقه آسیای میانه ظرفیت حوزه نفوذ خود را افزایش دهد و با انعقاد قراردادهای فروش تسلیحات، با کشورهای آسیای میانه سهمی در بالابردن تعاملات اقتصادی در این منطقه داشته باشد و از طرفی شاهد کاهش نفوذ روسیه در منطقه آسیای میانه باشیم.

بحث و نتیجه‌گیری

کشورهای آسیای میانه از سال 2014 تا 2021 به دنبال یک سیاست خارجی چندجانبه بوده‌اند که آنها را قادر می‌سازد در برابر سلطه هر قدرتی مانند روسیه به عنوان قدرت بزرگ منطقه مقاومت کنند. ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری‌های آسیای میانه، در بلندمدت منجر به همکاری نزدیک‌تر ترکیه و کشورهای منطقه آسیای میانه شده است. ترکیه با درپیش گرفتن راهبرد فرهنگی و اقتصادی جدید خود به عنوان عناصر قدرت نرم، در منطقه آسیای میانه به دنبال بالابردن سطح مبادلات و تعاملات خود با منطقه می‌باشد که این راهبرد ترکیه تأثیرات مهمی بر کاهش نفوذ روسیه در این منطقه داشته است.

ترکیه راهبرد فرهنگی خود را در پیش برد گفتمان‌های ایدئولوژیک مانند پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم و اسلام سیاسی ترک، به منظور ایجاد رژیم‌های وفادار نسبت به خود در کشورهای آسیای میانه متمرکز کرده است. در این کشورها روابط فرهنگی، انسان‌دوستانه از طریق شبکه‌های گسترده مؤسسات آموزشی ترکیه پیشرفت کرده و نفوذ عمیق مدل ترکی اسلامی مشاهده می‌شود. راهبرد فرهنگی ترکیه در این منطقه مبتنی بر فعالیت‌های آموزشی و علمی با استفاده از زبان ترکی در قالب پان‌ترکیسم، فعالیت‌های مذهبی و دینی با استفاده از عرفان و صوفی‌گری در قالب نوع‌نمان‌گرایی و فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای با توسعه مدارس و دانشگاه‌ها، تهیه و پخش فیلم‌های سینمایی، تأسیس شبکه‌های تلویزیونی در حوزه رسانه و اشاعه حوزه هنر مانند موزیک پیگیری می‌شود. در نتیجه پان‌ترکیسم در راستای ایجاد مزاحمت در برابر احیای حضور روسیه در منطقه آسیای میانه مؤثر بوده است. توسعه اسلام با کمک روحانیون ترک و تأسیس مراکز و مدارس مذهبی در منطقه، ترکیه را به عنوان رهبر اسلامی منطقه آسیای میانه مطرح نموده و نسلی که در این مدارس و دانشگاه‌های ترکیه‌ای دوران آموزش خود را گذرانده‌اند، به عنوان اهرم‌های نفوذ ترکیه در پست‌های مدیریتی دولتی کشورهای آسیای میانه حاکی از قدرت نرم ترکیه دارد. آنکارا با راهبرد فرهنگی خود در منطقه آسیای میانه و حمایت از اقلیت‌های ملی - اسلامی در منطقه نفوذ روسیه، بازی فرهنگی و سیاسی خود را پیش برده و موجب ارتقای ظرفیت اعمال نفوذ ترکیه و کاهش نفوذ روسیه شده است.

ترکیه با اتخاذ راهبرد اقتصادی جدید خود با این منطقه توانسته است در حوزه‌های مختلف اقتصادی رشد چشمگیری داشته باشد. یکی از این موفقیت‌ها، متنوع‌سازی مسیرهای حمل و نقل به کشورهای تک‌ترانزیتی در کنار حفظ مسیرهای سنتی است. مشارکت در پروژه‌های مهم صنعتی و زیرساختی با کشورهای آسیای میانه به صورت چندجانبه یا دوجانبه باعث تقویت تجارت و همکاری استراتژیک در سطح عالی و همچنین ثبات روابط بین این کشورها با ترکیه شده است. ترکیه نقش تعیین‌کننده در پروژه‌های انتقال انرژی به اروپا و از شرکای اصلی منطقه‌ای در سیاست انرژی منطقه دارد و خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی و راه آهن باکو-تفلیس-جیحان از مهم‌ترین مواردی است که این مدعاست. ترکیه جهت تسهیل تعامل و تبادل روبه رشد خود در منطقه آسیای میانه، از مکانیسم‌های همکاری، آژانس همکاری، هماهنگی ترکیه (جهت ملت‌سازی) و سازمان همکاری اقتصادی اکو (جهت ارتقای فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت) استفاده کرده است و کشورهای آسیای میانه برای ایجاد فضای رقابتی بین بازیگران و خارج‌شدن از فشار زیرساخت خطوط انتقال انرژی روسیه، با ترکیه همکاری و تعامل روبه رشد و پایدار دارند.

ترکیه با استفاده از سازمان کشورهای ترک با انعقاد قراردادهای فروش تسلیحات نظامی و هوانوردی، با کشورهای آسیای میانه تعاملات و تبادلات اقتصادی خود را افزایش داد و دیگر روسیه تنها بازیگری نیست که با همکاری‌های اقتصادی مشترک در آسیای میانه نقش ایفا کند. ترکیه با فروش تسلیحات نظامی و هوانوردی، ظرفیت اعمال نفوذ خود را در آسیای میانه افزایش داده و نیز کاهش نفوذ روسیه در این منطقه را به دنبال داشته است. اثبات این مدعا رشد قابل توجه 8.5 درصدی خرید تسلیحات توسط کشورهای آسیای میانه از شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی جهان و کاهش قابل توجه خرید تسلیحات روسی است. اگرچه ترکیه هنوز به بازیگر اصلی بازار فروش تسلیحات تبدیل نشده، به گزارش SIPRI ترکیه جزء 4 کشور تأمین‌کننده تسلیحات جهانی در حال ظهور است.

منابع

- اتوتایل، ژناروید، دالبی، سیمون، و روتلج، پاول (1380). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- برزگر، کیهان (1388). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، 1 (1)، 114-153.
- پورسعید، فرزاد (1389). مفهوم‌شناسی قدرت نرم و محیط راهبردی متأثر از آن. فصلنامه راهبرد دفاعی، 8 (28)، 33.
- دهشیری، محمدرضا، و ملکیان بروجنی، نجمه (1395). بررسی اهمیت استراتژیک سوریه برای ج.ا.ا از منظر واقع‌گرایی تدافعی. کنگره بین‌المللی علوم اسلامی-علوم انسانی، تهران، آذرماه.
- سازمند، بهاره، و کاویانی‌فر، پیمان (1394). ایران و برنامه تراسیکا و ابتکار راهرو گاز جنوبی اتحادیه اروپایی در دوران پسا تحریم. فصلنامه روابط خارجی، (3)، 62-33.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم (1380). ایران و 11 سپتامبر، چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی. سیاست خارجی، (4)، 967-992.
- مشیرزاده، حمیرا (1385). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- نای، جوزف (1387). رهبری و قدرت هوشمند. ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.

Jervis, Robert (1999). Realism, Neoliberalism, and Cooperation. *International Security*, 24 (1), summer.

Kaufman, Stuart J., Richard little and William C. Wohlforth (2007). *The balance of Power in World History*. Palgrave macmillan.

Sipri.org (2020). Global arms industry: Sales by the top 25 companies up 8.5 per cent; big players active in Global South. Retrieved from: <https://www.sipri.org/media/press-release/2020/global-arms-industry-sales-top-25-companies-85-cent-big-players-active-global-south>. Accessed on 05.02.2021.

Walt M. Stephan (1986). Alliance: Balancing and Bandwagoning. In: Stephan M. Walt (Eds), *The Origins of Alliances*, Cornell University Press.

Walt, Stephan, (1987). *The Origins of Alliance*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Walt, Stephan (1988). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia. *International Organization*, 42 (2).

Nye, Joseph S. (2002). Limits of American Power. *political science Quarterly*, 117 (4).

<http://www.mfa.gov.tr/turkiye-orta-asya-ulkeleri-iliskileri.tr.mfa> (accessed 10.06.2021).

<http://www.mfa.gov.tr/turkiye-orta-asya-ulkeleri-iliskileri.tr.mfa> (accessed 10.06.2021).